



عکس از فیلم «مردی که همه ساخته شد» اثر رینولد

هنر برای استبداد

تأثیر فاشیسم بر هنر آلمان

در تاریخ جنگ‌ها، سبک‌ها و تاکتیک‌های جنگی، استفاده از هنر به روشنی دیده می‌شود؛ همانند استفاده از رجز خوانی، طبل‌زنی و... در خارج از میدان نیز روحیه جنگ‌ستیزی منجر به تولید آثار هنری بر منقوشات و ادوات جنگی شده است و آثار و کلماتی از جنگ در دوره‌های هنری به جای گذاشته است و ادوات هنری نیز در روحیه جنگ‌ستیزی یا شهامت و شجاعت مؤثر بوده که با مطالعه تاریخ جنگ‌ها به روشنی می‌توان اثرات این تأثیر و تأثر را جویا شد. در این مقاله سعی شده است به طور خلاصه به تأثیر فاشیسم بر هنر آلمان پرداخته شود. اگر ظهور و حضور فاشیسم را دلیل جنگ افروزی، ترویج روحیه خشونت و جنگ‌ستیزی بدانیم، باید حزب نازی و تفکرات ناز پس از آن از مؤثرترین شکل‌دهندگان جنگ جهانی دوم دانست و اثراتی که این جنگ بر هنر، هنرمندان و فضای هنری آلمان و در پی آن - در سطوح گسترده‌تر - اروپا و فضای جامعه جهانی و بین‌الملل داشته است.

می‌شود و به تنگنای می‌آید. از این حوزه فرهنگی خارج نیست بلکه دارای اهمیت متمایز و بسزایی است. در آلمان - همچون پاریس در فرانسه - مرکز فرهنگی یافت نمی‌شود. از لحاظ پیشین فرهنگ در هر یک از بخش‌های آلمان در برهمن‌های گوناگون گسترش یافته و به صورت رسوم و سنت‌های گوناگون تجلی کرده است. خود آگاهی فرهنگی به معنای اصلی خود، به لایزال قرون وسطی و دوره گرایش به آیین مسیحیت بر می‌گردد و کاملاً آگاهی «دومانی» و «کوتیج» با وجود ویران شدن در جنگ پس از تجدید بنساخت و همچنین آثار تاریخی و هنری تمام دوره‌های تاریخ آلمان این سنت را آشکار می‌کند. واژه کولتور (فرهنگ) از کلمه «colere» گرفته شده است که در معنای اصلی خود تمام آفرینش‌های

گستره فرهنگ آلمان را فقط از راه همبستگی کامل مجموعه فرهنگ‌ها و باطنی می‌توان دریافت. تنها در این صورت ویژگی‌ها و استقلال آن آشکار می‌شود. در تاریخ بشریت، فرهنگ‌های بی‌شماری وجود دارند که یکی جای دیگری را گرفته یا به مهارت هم به حیات خود ادامه داده‌اند که در همین حال، هر کدام از این فرهنگ‌ها اهمیت ویژه‌ای را حفظ می‌کنند. برای وضع کنونی جهان فرهنگ اروپایی در سطح پیشرفت نوپیش‌نمیرن‌کننده خط مشی شخصیت است. قلمرو فرهنگی آلمان بیش از مرزهای ملی کنونی این کشور است. سده در ساختمان فکری اروپا آلمان، آفرینش و سوسپنس آلمانی زبان، همبستگی، ژرفی را تشکیل می‌دهند. آنچه در بخش شرقی آلمان پوشیده

گفته تولید هستی با جسمانی بازمی‌گشت و دیگری را «ars liberalis» می‌نامیدند که ناخودآلودی برابر هنرهای زیباست و به ابداع فکری و خوبی و هنر آسانی ارتباط پیدا نمی‌کرد. گاهی در مباحث هنری و فلسفی از این مفهوم لغوی هنر با اصطلاح «ars poetica» نیز یاد می‌شود. اصطلاحی که قرن‌ها پیش «هیراس» - شاعر و ادیب یونانی - به کار برده بود. بر این اساس، شعر، هنری متعالی تلقی می‌شده و نقاشی در حد تولیدی مکانیکی ارج و اعتباری نداشت. زیرا به کار دستی تعلق داشت و یونانیان و مسیحیان در هیچ‌یکه برای آن شایسته قائل نبودند. هر چند به ضرورت آن برای بیان اختراعات تاریخی، بیان زندگی، خویش یا بیان و آموزش عقاید دینی قائل بودند.¹⁰

علیرضا محمدی
واژه هنر در آلمان و قرون وسطی
در زبان آلمانی از کلمه Kunst در برابر واژه لاتینی art استفاده می‌کنند. اصل این لفظ Komen به معنای «تولیدن» است. این لفظ مانند تخته یونانی در آغاز به ظاهر با اثری بهایی - یعنی Schoenheit - نسبتی نداشت و در قرن هجدهم در ترکیب هنرهای زیبا (die schoenheit kunst) به کار رفته است. هنرهای زیبا شامل هنرهای نمایش گله‌خاسی که این می‌شده یعنی شعر، نقاشی، معماری (صنایع مستظرفه) موسیقی، معماری و نمایش در پایان قرون وسطی و نیز در روزگار رنسانس از انواع هنر یا artes و attos یاد شده یکی را ars mechanica می‌نامیدند و مقصود از آن فن یا هنر مکانیکی بود.

فرهنگی مانند کشت و زرع را رسانده و در ضمن تروش‌های فکری و مسائل دینی را نیز در بر می‌گیرد. فرایندهای وسیع‌ترین آن با مفاهیم پرورش جان (pflegen) و گرمایی داشتن (Zerehren) می‌توان بیان کرد. بنابراین فرهنگ بیان مظاهر انسانی در اعمال و شیوه‌های زندگی است. از زمانی که بشر وجود داشته فرهنگ نیز پدیدار شده است. به طور کلی در زبان آلمانی واژه‌های فرهنگ (KULTUR) و تمدن (Civilization) از یکدیگر جدا هستند و واقع متناظر از تمدن، پیشرفت‌های فنی و هنری است. در حوزة شخصیت‌شناسی در ممالک مدرن است اما فرهنگ مفهوم کلی‌تر و وسیع‌تری است که امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین علمی، هنری و مذهبی را بر می‌گیرد و وقتی می‌توان از فرهنگ سخن زد که مورد آن محدود مشخصی پارا فراتر نماند صورتی کلی از رسوم، تشکیلات یا شیوه زندگی به خود بگیرد. بیشتر واژه فرهنگ را از واژه طبیعت تفکیک کرده‌اند. دوره جدید به ویژه در باره این دو واژه در فلسفه فرهنگ بحث مفصلی در گرفته است که در آلمان تا زمانی معاصر طرفداران مهمی داشته است مانند هردت (Herder)، شگل (Schlegel)، بورکهارت (Burckhardt)، نیچه (Nietzsche)، شپنگر (Spengler) و وبر (Weber) و گوارینی (Guardini). از نظر تاریخ فلسفه مهم آن است که بیشتر تاریخ است و خودناظر و قلمرو کلی موجودات بالاتر بوده به وسیله نیروی تفکر و احساس موجودی، دارای ارزش تاریخی می‌ماند.

فاشیسم و هنر (جنگ یا هنر مدرن)
در آلمان پس از سال ۱۹۳۳ میلادی موج آبروسازی از فرار شهروندان پیش آمد که در تاریخ بشر کم نظیر بود. در عرض چند سال تمام نخبگان فرهنگی آلمان، مابین خود را ترک کردند. در همان نخستین دوران تأسیس رایش سوم، هنرشناسان وادیه به حزب نازی پیش از ۲۰ هزار نفر هنری را از موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنری مسافره کردند. هر آنچه کارشناسان هنری نازی با درک محدود خود نمی‌فهمیدند یا با آذون مجبورشان ناسازی می‌آمد، منصرف یا گمراه کننده می‌نامیدند.

به علاوه هنر وظیفه اخلاقی داشت که نقش خود را در خلق انسان نوایفا کند. به عبارت دیگر، هنر باید راه پرورش انسانیت تلاش می‌کرد که با ایمان سرور و محبت و روحیه پولادین، در حوزة نظام سلامت و هنر، دیوانه‌انگیزی بی‌پروای کند. هر تریک‌ترین لحظات زندگی به ۳۰ هنری که واقعیت زندگی را تیره و تار نشان می‌داد، محروم و بی‌بازگشت می‌شد.

دیکتاتورها و هنر مدرن
سال ۱۹۳۳ میلادی برای هنر مدرن مسأله سرنوشته‌ای بود. آلمان نازی هنر مدرن را فاجعه قبح کرده و اینکه به دنبال سرور و محبت به خشیدن به این وحشی‌گری بود. در ۱۹ ژوئیه ۱۹۳۳ میلادی نمایشگاه هنر گمراه کننده در مونیخ با هزار نمونه از آثار هنری گشایش یافت که هنرشناسان نازی آنها را فخر آلمانی گمراه کننده می‌نامیدند.

سایه‌نگاری که به نازی به عنوان تکمیل و تخریب به سال ۱۹۳۳ میلادی در موزه هنری شهر بیلند برگزار شد. از یک نظر واکنشی است که با ناخبرگی ۷۰ ساله به نمایش کلمه معروف نازی‌ها در مونیخ صورت می‌گیرد. در این نمایشگاه با نزدیک ۴ هزار اثر هنری در ده‌ها نمایشگاهی، طراحی، عکس و مجسمه از حدود ۱۸۰ هنرمند معرکه‌یست. در رابطه فاشیسم و هنر در چرخه تاریخی یاری می‌شود. نمایشگاه فرستاده نازی فراهم می‌کند تا با قدرت در این رابطه در برابریم که دیکتاتورها از هنر مدرن چه می‌فهمند و چرا از آن بیزارند.

هنر مدرن هر مدرن که در اوایل قرن بیستم در غرب اروپا جولان داد به مکتب‌ها و جریان‌های گوناگونی شکل داد که ویژگی مشترک آنها دوری از طبیعت‌گرایی بود. هنر مدرن از آثار ریسی و اقیامت قلم‌ها گرفت و حتی بخشی بیان گرامی

(گروه سبونیسم) نامیده می‌شد. نژاد دوری می‌کرد. نازی‌ها هنر را انگیزه را پوچ و بی‌معنی می‌دانستند و ناپاک آنکه در صورت همین هنر تلفیه‌ها می‌خواستند و در هر بود که بهترین ترس را داشتند آنها یا خشم و خشونت یکسان به جنگ سبک‌های گوناگون هنر او انکار کردند.

در آلمان نازی تنها هنر مندان مشابه به اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی در معرض سرکوب قرار نگرفتند بلکه هر کسی که در آفرینش یا اسلوب پر دخت هنری به نوجویی از مین و لیکتر دست می‌زد به نافرمانی و سرکشی در برابر فرآیند هنری مسلم متهم می‌شد. لو آتسکار می‌کرد که کار فوکی مستقل و روحیه‌ای آزاد بر خور داشت که در قالب نظام تک‌مدلی حاکم نمی‌شد. چنانچه بدین معنی هنرمند مستقل خوانده می‌شد. بیشتر آثار هنرهای مدرن مشکوک‌کننده می‌شد. بیشتر آثار هنرهای مدرن مضمون یا پیام سیاسی آشکار نداشتند اما با اندکی دقت می‌توان به ریشه‌های ناسازی آنها با چهار چوب‌ها و استانداردهای نظام فاشیستی پی برد.

فاشیسم و سبک کوبیسم
در جنگ داخلی اسپانیا شهر کوچک گوئرناکا در منطقه بسک از پایگاه‌های اصلی پایداری جمهوریخواهان در برابر نیروهای فاشیستی ژنرال فرانکو بود. در ۲۶ آوریل ۱۹۳۷ میلادی نیروی هوایی آلمان به پای فرنگو شتافت و شهر گوئرناکا را بمباران کرد. حمله‌ها و حمله‌ها که هدفشان نابودی تمام نشانه‌های حیات در این شهر بود. هنر مندان معریست اروپا به بمباران گوئرناکا واکنش نشان

دادند و پیش از همه جریانو پیکاسو که تابلویی او در اعتراض به فاجعه گوئرناکا معروفترین تابلوی قرن بیستم شد. فاشیسم سبک کوبیسم را گمراه کننده خوانده بود. هنر را آن را پوچ و بی‌معنی می‌دانستند و سرانجام از همین سبک بود که ضدپیش‌بین شریه وادیه یافت کرد.

نازیسم و تاریخ ادبیات
به باور یکی از جمله‌شناسان، پیش از یک چهارم تاریخ آلمان در جنگ گذشته است. اثر از لحاظ کلی نیز نگاه کنیم، آلمان در بزرگترین جنگ‌های جهان نقش اساسی داشته

و بیشترین پیوندهای این جنگ‌ها نیز دیکتاتور این کشور بوده است. از این رو طبعی است که جنگ و پدیده‌های مرتبط به آن از جمله ایشلر، فاشکاری و مقاومت نیز در تاریخ ادبیات این کشور، از مضامین مهم باشند. در برهه مهمی از تاریخ آلمان (۱۹۱۵-۱۹۳۳) آسوع ادبیات آلمانی وجود داشته است. ادبیات فوکی، نسیونال سوسیالیستی و ادبیات در تمهید آزادی خواهان نازی طبیعی است که هر دو نوع ادبیات آلمانی با مضمون فاشکاری، مقاومت و حتی دعوت به شهادت - گرچه نه به معنای مذهبی‌اش - به چشم می‌خورد. با این تفاوت که ادبیات ناسیونال سوسیالیستی، فاشکاری و مرگ در راه آرمان‌های نژادی و ایدئولوژیک خود را تفسیق و ادبیات در تمهید آلمان مقاومت، فاشکاری در راه آزادی و رهایی از نوع نازیسم را تبلیغ می‌کرد.

آثار ادبیات ناسیونال سوسیالیستی فاقد ارزش کافی نمی‌باشند و ادبی بودن آنها زیر سؤال است. دوم اینکه در واقع در مفاهیم ایشلر و مقاومت در این آثار سوسیالیست‌ها و آنچه تاریخ می‌شود به راستی ادبیات مقاومت نیست بلکه نمایشی تهاجمی، شعاری، سطحی و مینخل است. برای تحقیق خوانندگان را تا چنان وصل را بر سر حاکمیتی استبدادی بپزند.

ایجاد ادبیات ضد جنگ
آلمان نمی‌توانست در ادبیات جنگ به مفهوم متعارف خود باشد زیرا هم متجاوز و هم شکست خورده بود. چنین شد که آلمان دارای پدیده‌های

نام ادبیات ضد جنگ شد. از این رو مضامین اینباره فاشکاری و شهادت که در ادبیات این کشور می‌بینیم بیشتر جنبه ضد جنگ دارند. آلمانی که مردم یک کشور علیه حکومت جنگ افروز خودشان به خرج می‌دهند. مانیتری که مردمی علیه سران کشور می‌جایزه می‌کنند.

نویسندگان کنج‌نامتری نیز به نفع دوران نازیسم و ایستادگی در برابر ظلم پرداختند. از جمله «هانس ولنگانگ کخ» یا «رمان می‌توان فراسوش کرد» و «کنده شایس» یا «رمان هتلا مانجرای جنگ» و «دستان همه‌مان» که تصور پلسی در، با آشکارش در باره بازداشت‌کننده‌های نازی نویسنده‌های دیگر همچون دورن و گروش، گرت و دیانه فروت، نادسار دشار، پاشنالی اندرس، آلبرت گس، کورت توخلسکی، یوهانس پورر فسکی، اینگورگ باخمان، هاینرک کپنلر، ترو ولفگانگ هیلنر، هایمر، هوریت فیشته، ولف دیتریش شوره، از ناسه شابل، هانس مایری، یوهانس ریشتر، کیستولف و بیستری دیگر آلمانی نگاشتند که در آنها به مقوله مقاومت و فاشکاری از زاویه‌های گوناگون اشاره شده بود. گویی فاجعه جنگ و جنایات نازی‌ها و تشکیک مساعی آلمانی‌ها به ایجاد گوناگونی عذاب وجدان در نویسندگان آلمانی منجر شده بود. ادبیات معاصر آلمان پس از جنگ کوشش جدی است تا شرح جنایات نسل‌های گذشته و فاشکاری‌های قربانیان و از راه این نسل حاضر و آینده به نوعی از گذشته عبرت گیرد و دوری جوید.

عدم کارایی ادبیات علیه استبداد تا اینکه سال ادبیات مقاومت در آلمان فاشیستی طولانی به دست دادیم. چرا این ادبیات در سلطه نازیسم چندان مؤثر نبود؟ نخست آنکه این آثار بیشتر در تمهید یا حتی پس از جنگ نوشته شدند و مردم آلمان در دوره نازیسم به آنها دسترسی نیافتند. دیگر اینکه نازی‌ها با داشتن امکاناتی مدها و هزاران برابر پیش از نویسندگان مخالف آلمانی با خلق ادبیات تبلیغی و تحمیلی آلمان را بمباران کرده بودند.

تعمیرات فرهنگی
نویسندگان، منتقدان، هنرمندان، دانشمندان و به طور کلی همه روشنفکران آلمانی فعالیت‌های خود را پس از تسلیم می‌نمود و شرط حزب نازی در شرایط بسیار نامساعد از سر گرفتند. همه دیکتاتور روشنفکر آلمان که زمانی بسیار ممتاز و نیرومند بودند، به فرمان هیتلر قتل شده یا در سر اسرا هم متفرق شدند. بودند و آذون می‌بایست دوباره جمع می‌شدند. استبداد فاشکاری پیوند که در دوران جمهوری و ایلمار به فعالیت‌های روشنفکری، توسعه ادبیات، اجرای موسیقی و هنرهای زیبا از چنان تشمس و فقری برخوردار بود، به‌طور کلی از صحنه تفکر و هنر غایب بود و فقدان در فاشکاری تاخی بسیار احساس می‌شد.

بدون وجود پایتختی جهان شهر گونه همچون برلین دهه ۶۰ که می‌توانست انگیزه محبطی لازم را برای آغازی دوباره فراهم کند. حیات فرهنگی آلمان برای تولد سریع خود در زمانی به‌طور حقیقی نیز دوباره پیش رو داشته

پیش از هر چیز اولین مباحث عمومی به گونه‌ای اجتنابناپذیر به بروز برخوردهایی شد. جدید میان گروه‌های نوظهور روشنفکری ایجاد به‌طور کامل طبعی بود که بین ۲ گروه مشخص از روشنفکران آلمانی و فلسفی، اختلاف نظرهای عمیقی وجود داشته باشد. گروه اول آن دسته از روشنفکرانی بودند که سال‌های جنگ را در تمهید مسوری کرده بودند (بیشتر در سوئیس، انگلستان، آمریکا، شوروی و آمریکا، لاتین) و بسیار مشتاق بودند که به خاک آلمان به ویژه آلمان غربی بازگردند. این عده می‌توان از «مجلس سل» و هر تولد تیرت به نام گروه دوم روشنفکرانی بودند که آلمان را ترک کرده و به قول خودشان با مهاجرت داخلی (inner emigration)

امتنور مهاجرت در داخل کشورهای آلمانی است) به وضوح مابین برکشته بودند مانند گاترفرد بن (Gottfried Benn) و لرنست یونگر (Ernest Junger)

قطعه زیر که از کتاب «دکتر فاستوس» اثر توماس مان برگرفته شده و در پایسی سال‌های جنگ در آمریکا نگارش یافته است - با وزن و زیبایی قلمع عواطف عام روشنفکران تبعیدی آلمان را بیان می‌کند:

فرزانی که از آن سوی اقیانوس اطلس می‌آید جمعیت وایسار را پاداشته تا به صفتی منظم در کوره‌های اندوسوزی از دو گانه کلر اجباری که در همسایگی قرار دارد در زیر ویرانه‌ها اعلام داشته است که این شهر ویران - بلر گناه‌زنی‌هایی را نیز که اکنون به اجبار از چشم بر آنها دوخته‌اند در دوش می‌کشند. آیا در این کلر از بی‌عقلانی زخمی هست؟ بگذار نگاه کنند به آن پایداری‌ها. همه چیز آلمانی - حتی ذهن و روح آلمانی - بقیده آلمانی و فکارت آلمانی - همگی در این هن‌های شرم آور دخیل بودند.

علاوه بر نمایندگان مهاجرت «داخلی» و هنرچی «وجود منفکران بلندآوازه معاصر که هنوز در قید حیات بودند. در از جمله هارترین هایدگر» که با نازیسم همسر می‌کرد. از حضور کم‌چنان نهاد روشنفکرهای حکایت دانست که با وجود سرسختی‌اش پیر و فرسوده شده و دیگر توان نوزایشی دوباره را نداشت. آخرین گروه جوان‌ترها بودند. حسی شکست خورده «از روی تفکران که به‌طور هموار جنگ‌گشتگان بودند یعنی سران و اسپرین جنگی» منفکران بر چسته از جمله مورخ نضار هفریش ماینتکه «فلاسفای چون «کلر» و اسپرس» و «مور و گاردینی» دانشمند علوم اجتماعی «الفرد دور» و همچنین نویسنده با سابقه کمونست «یوهان آر. بکر» که با اندیش سلطه‌ای از کتب و مقالات مجتبی چندی را بر آرمون مساله «گناه اشتراکی» و «مهری می‌گردند» بی‌آنکه هرگز به توفیقی جامع برسند.

خروج از انزوای فرهنگی
درست در متن همین بحث جمل‌های پر شور که سکه رایج زمان بود در سال‌های پس از جنگ آلمان شاهد توسعه‌ی سابقه فعالیت‌های فرهنگی بود. یکی از اهداف مباحث مربوط این بود که مساله سرور و عیت روشنفکران و حدود ادبیات را در قبال فاجعه آلمان روشن کرده، با کسب اجازه از نیروهای فاشکار و ایلمار که مباحث مادی بسیار روزنه‌ها و مجلات در عمل یک شبه ظهور کردند که مباحثی‌های تناظر، اسرا و گروه‌های کابل‌های بزرگ‌تری شده یا فلسفای ضد و کسرت‌های موسیقی صنعت فایفو و شبکه‌های چهارم و نولون، بلر دیگر فعالیت خود را از سر گرفتند. هر روز می‌که به لحاظ سیاسی، اقتصادی و صنعتی قلم‌ها شده بود. در قدم اول به طور منطقی برای قلم‌ها گرسنگی روحی امکان پیش‌ترتی وجود داشت.

پس از ۱۲ سال انزوای کامل فرهنگی آلمان آنچه وادیه در زمینه جرن‌ها و پیشرفت‌های جدید فلسفه ادبیات، موسیقی و دیگر هنرها فاقد بود. مشتاقانه کشف کرد و سپس در جنبه تحلیل مفاهیم و تأثیرات پیکنه روندی گسترده آغاز شد. در مورد مهم و نقش آلمان در صحنه فرهنگی سال‌های نخست پس از جنگ - نه‌ایستفاده «محبوبیت اصلاح‌کننده» می‌نمود. گویای باکشتی مردم و موضوعات مورد علاقه‌شان در آن روزها باشد. نمایشنامه اول آسرو فوگلفانگ پورشرت «فست که نخست به عنوان نمایشنامه‌ای رادویو، با نام «The man outside» در سال ۱۹۴۶ میلادی نگارش یافته بود.

پورشرت «در این نمایشنامه با به تصویر کشیدن بهترین‌ها و اختراعات سرایزی که پس از بازگشت به وطن از لحاظ اخلاقی و اجتماعی خود را در جامعه چهله ناچور می‌یابد» به بیان تهاجر نسل جوانی می‌پردازد که تازه از خواب غفلت برخاسته است. چنانچه شگرایی که نمایشنامه پورشرت برای آلمان آن دوران در بر داشت - درست مانند نمایشنامه





«کارل زوک مایر» (با نام همپساز شیطان»
 در ۱۹۴۶ میلادی در دوران تبعید ترک مایر در
 آمریکا نگاشته شده) بیانگر تحولات عمومی مردم
 بود. کهرمان مایر شانه ترک مایر «برای بسیاری
 از تماشاگران تئاتر، با آثار شوروی ترین سالها روز
 یعنی هزار و پانجاه بود»

اینکه روش «نازی دلیسی» در عمل تا چه حد
 خشندهای بی نتیجه شده، خود دستمایه یکی
 از موفقیت‌های اجسی بزرگ و محبوب دوران
 پس از جنگ - یعنی رسل - غیر مستقیمه اثر
 «نرستون ملامون» قرار گرفت که در اصل شرح
 حالی از زندگی خودنویس شده بود.

در میهن - دوران جنگ - گروه کوچکی از
 روشنفکران وجود داشته که شاید مهم‌ترین نقش را
 در به پیش آمدن حجت فرهنگ آلمان پس از
 جنگ ایفا کردند. بعد از آنکه نشر پستی این گروه به
 عنوان «هده» به دستور متفقین توقیف شده به لنگر
 همین افراد در پاییز سال ۱۹۴۷ میلادی چمن لسی
 با نفوذ «گروه ۴۷» تأسیس شد.

فهرستین آثار لسی منتشر شده پس از جنگ
 بیشتر جنبه توجیهی و واقع گرانه داشتند و انتضای
 «گروه ۴۷» و دیگر روشنفکران جوان می‌گوشید تا
 از گذر ادبیات، بجهت گذشتن از حزب نازی و پیمانهای
 حزن آنگه می‌گفت که به سال آورده بود، هرگز در وقت
 درستی بیاید سال هفتاد و هشتاد و نود - نویسنده و
 طنز پرداز نژاد آلمان - حرف‌های او آن دوران چنین
 می‌نویسد «بیرامون خود جز ویرانه هیچ نمی‌دیدیم
 ناچار هم‌رازی ویرانه‌سختی می‌گفتم».

توسعه اقتصادی به جای فرهنگ

اما چیزی نماند که روشنفکران از استیضاح شخصی
 دست بردارند و در صورتی که تخلص فردی به سر آمد
 در سال ۱۹۴۸ میلادی - یعنی سال پس از پایان
 جنگ - موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی در جو
 روش نگر آلمان تغییر قابل ملاحظه‌ای به وجود
 آورد. با کمک طرح مارشال و اصلاحی که در نظام
 مالی آلمان به وجود آمد باقیمانده ویرانه‌های جنگ
 از بین رفت و به دنبال آن عصر احیای اقتصادی و رونق
 صنعتی شدن کشور آغاز شد. در نتیجه سال توسعه
 بی سابقه فرهنگی جای خود را به دهه‌های بی سابقه
 به منظور تقریبی معلوم پیشرفت و رفاه ملی داد.

حوزه‌های هنری و هنرمندان متأثر از جنگ آفروری فاشیسم

رعان همه هنگام جنگ هنوز خود را یک آلمانی
 می‌گفتند و بی‌چنگ رفت و در اینجا با حمایت‌های
 ارتش روزنامه «سیران آلمان» و گفت‌وگوهای حمایت
 از آلمان و آیین نهاد آلمان همکاری که به نظر
 همه تنها به معنای وطن‌خوستی بود تنها سبب
 منحوس شدن چهار ماهی او و دشمنی شده و همان
 روزها در مقالاتی با عنوان «خطا کی استحقاق رانظیف
 کند» در «خوبانگان» و مردم خواست حداقل روحیه
 جنگ‌ستیزی را در احسان وجودشان حفظ کنند
 همین مقاله سببی از گفت‌وگوها و فحش‌های رکیک
 و آبرایی همه همراه داشت تا جایی که او به نویسنده
 خنک وطن فروش معروف و فحش جنگ‌جایه مجبور
 شد و او هرگز آن روزها از فروش نکرد تا آنکه در
 تمام آثار پس از او می‌نویسد است حتی می‌توان گفت
 که دست پس از جنگ بود که در آثارش به سیاست
 هرگز گشودن داشت.

همه در شاکلرش - «توگ بابلان» - از بحران
 میهن‌دلی مرد «سلسلای حرف‌های زرد و کنز آن» به
 مواب جنگ مشروطه‌خواهی و ناسیونالیسم می‌پردازد
 جری «هاتر» - شخصیت اصلی توگ بابلان - آسم
 به شدت خالص از طریقه متوسط جامعه است. هاتر
 حرس بلند بسیاری از آدم‌های اطراف همه بر سر
 دور می‌است. با شاعر کش را بزند یا به زندگی لایحه
 بدهد. او نمی‌تواند خوی آسانی و شهوانی‌اش را با هم
 متوازن کند. بسیاری معتقدند این اثر شدت علاقه
 همه به دنیای هنر را نشان می‌دهد. همه در سال
 ۱۹۴۶ میلادی وین فرهنگستان هنر «پروس»
 شد اما پس از آن است. استفا که در او در تمام آن سال‌ها

مخالف سر سخت ناسیونالیست‌ها بود برای اینکه
 هرگز نمی‌توانست با جنگ و نژادپرستی کنار بیاید
 همه تا پایان عمر به این اصول پایبند ماند. خانه او در
 سولیس نامت‌ها محل اقامت‌های فراوانش آلمان
 بود. سال ۱۹۴۶ میلادی او جایزه «گوتته» را دریافت
 کرد اما این توکل لسی بود که به لوش - پرتی هاکسبر
 بخشید و سبب شد غیر آلمانی‌ها نیز واریت‌نشدند در
 دوران حکومت هیتلر. همه تنها نویسنده‌ای بود که
 به خود جرأت می‌داد در باره یهودی‌ها و سیاست‌های
 غلط دولت آلمان بنویسد.^{۳۵}

نقاشی: تیلوی «بر جوان» (۱۹۳۲ میلادی)
 از هاینس لوماندیکه حیوان غریب و غول‌آسایی را
 نشان می‌دهد که همه‌زبان پرتی و مگر است. ذاتی
 کور و بی‌سی در تقابل با متمدن و متمدن‌های بشری.
 عنوان تابلو آشکارا کلیه‌های به «پرفسان» است که
 ایندولوزی فاشیسم زایش آن را و عده می‌داد نظام و
 فرهنگی که فاشیسم برای جامعه‌های کهنه‌است
 نه به ابروش. این بلکه به این جریان زشت و پلید ختم
 خواهد شد.

تابلوی «هنر» اثر ریشار داونس (۱۹۲۶ میلادی)
 فرهنگ‌های چالب را از بدگمانی فاشیسم نسبت به ایهام
 و بی‌چیدگي نشان می‌دهد. ارتش هنر مندی مستقل
 بود که به مکتب سوررئالیسم پیوسته بود. تابلوی
 انتظاری، زیبایی مرموز و وهم آلود را تصویر می‌کند که
 می‌تواند به خنجان‌های فانتزی‌های ضعیف ناخودآگاه
 برگردد. آلمان نازی ایندهای در خشان و تابناک را
 نوید می‌داد اما این تابلوی جمعی خلوص و نشناخته
 به تخطای نامعلوم می‌نگرند.

تابلوی «قدرت کور» اثر رودولف شاپستر نیز
 پاسخی کویس سر راست به تالیفات

حزب نازی است. ایندولوزی نازی لاف
 می‌زد که بر قلعه مستور، دعای بشری
 از پارتیزان تمدن روم تا کنون ایستاده
 است و نابو می‌گوید که امروز میراث
 این تمدن به جنگجوی روسی کاشی
 یافته است که جز مرگ و ویرانگری
 چیزی نمی‌شناسد.

تابلوی «سازان تو ویرانه‌ها»
 «اثر کارل هوفر» - رانیز می‌توان لایحه
 تابلوی «قدرت کور» دانست و هم
 استقامتی روشن به ایندولوزی و لایحه
 سوم هیتلر و «سروان لوزر گتزن»
 مانشین جنگی تاریخ و آبروی و سپهر
 به جامعه آرمایی به راه نشانده بودند.

اما نقاشی به سادگی مقصد نهایی این سفر جهمی را
 نشان می‌دهد. آسانی برهنه که در میان ویرانه‌ها تنها
 ماندگاست.^{۳۶}

آنسلم کی لفر (Anselm Kiefer) در سال
 ۱۹۴۵ میلادی در دوقلو شینگن به دنیا آمده است.
 او از جمله هنرمندان آلمانی است که در پی‌رفت
 هنر پس از جنگ - آلمان در صحنه ملی و بین‌المللی
 نقش مهمی دارند. کی لفر در مورد تأثیر هنر «جورف
 بویز» و جست‌وجوهای شخصی خودش به شیوه
 ویژه‌ای حساسیت یافته و به بیان و گفت‌وگو میان هنر و
 زندگی می‌پردازد.

او آثار خود را با استفاده از ترکیب مواد گوناگون
 از بوم، رنگ کله پوئسال و چوب مس‌وخته ناسرب و
 سیم و - خاکی می‌کند. تا پایان گذشته‌های باشد که
 روزی روزگاری طبیعتی سرسبز و باشکوه داشت و
 اینک خلایق‌های بیش نیست چشم‌اندازهای کی لفر
 همگی صوحته و بی‌نظمی و بی‌نظمی و بی‌نظمی و بی‌نظمی
 را پس از جنگ جهانی دوم و با تأثیر از جنگ کشتار
 و ویرانی‌های به جای مانده از آن پدید آورده است و در
 واقع جنگ‌سبب الهام آفرینش گوست.

کی لفر با استفاده از نمادهای مصری و تصاویر
 سمبلیک نقاشی‌های بسیار بزرگی خلق کرده
 است که وضعیت ترکیب رنگ تاریخ آلمان و ویژگی‌های
 فرهنگی دوران نازیسم را پیش روی می‌نهد. او در
 دهه ۷۰ مجموعه‌ای از مناظری را که تسخیر و حمله
 و غلبه‌گر آلمان را به نمایش می‌گذارد، نقاشی
 کرد. آثار دهه ۸۰ او با استفاده از شیوه بر سکتیو و
 ساختار غیر معمول و تکنیک‌های بزرگ پدید آمده‌اند

و موضوع‌های گسترده‌ای دارند که بازگشت به تاریخ
 یهود و مصر باستان را در بر دارند.^{۳۷}

توماس مان یکی از ادیبین آلمانی است که در
 نخستین جنگ جهانی با انگیزه‌های میهن پرستانه
 در دفاع از جنگ طلبی کشورش آتری منتشر
 کرد. بعد از پس از جنگ تغییر عقیده می‌دهد و از
 مدافعان دموکراسی می‌شود. مان در آتری همچون
 هار یوز و «چلوگر» به گونه‌ای پیش‌گویی‌ها به خطر
 نازی‌سوالر می‌کنند و با وجود این به ملت آلمان پیام
 مقاومت و فداکاری در راه فرهنگ و آزادی می‌دهد. او
 نیز عقیده هنر و شورش ولیگر «با به قدرت رسیدن نازی‌ها
 از بازگشت به وطن دوری می‌کند و در ران‌های
 متفقین، آلمانیان را به مبارزه علیه نازیسم تشویق
 می‌کند. او در رمان «هنرناخت فلیکس» «کارول شیه
 و نیز «دکتر فابست» «مبارزه خود را علیه نازیسم
 ادامه می‌دهد»

مشهورترین ادیب سیاسی آلمان در این دوره
 بی‌شک هر توت برشت است که برای خلق آثار خود
 به ادبیات مقاومت روسیه گوشه‌چشمی دارد. چالب
 اینکه برشت در توجیهی در دهبرستان و در فرس
 اندای خود جبهه‌بازی در راه وطن و راتیلینی منبذل
 دانست و در شمری به نام «هکایت سراز شیه» به
 تسخیر فداکاری‌های همدستان خود در دوره جنگ
 جهانی اول پرداخته بود. با لفر میهن حکومت نازی‌ها
 وی از نام‌آورترین میهنان فداکاری، ایثار و مقاومت آلمانی
 علی‌رغم نازیسم بوده است. لسی انتقادی لوتز آتری چون
 «که گر دعا و کلمه‌ها» «فروس و نکت و آیش سوم»
 و «هنرهای خاتم کارل» «شفت می‌گیرد برشت» در
 متفنگ‌های خاتم کارل «به معاصرگری نمی‌پردازد که
 شوهرش از جنگ علیه فاشیست‌های
 اسپانیا کشته شده است»

آلمانی‌توانست دارای ادبیات جنگ به مفهوم متعارف باشد زیرا هم متجاوز و هم شکست خورده بود چنین شد که دارای پدیده‌ای به نام ادبیات ضد جنگ شد

هاتریش بسل - معروفترین نویسنده آلمانی زبان معاصر که در
 سال‌های ۲۵-۱۹۲۹ میلادی در مقام
 سرکاری در سده در جبهه‌های جنگ
 شرکت کرده بود - تجربیاتی از سر
 گذراند که از او یک ضد جنگ ساخت
 گرچه شهرت بل بیشتر به سبب آثار
 غیر لیست که به تقابل جنسی جامعه
 معاصر آلمان پرداخته اما او بیست تر در
 آثار نخستین خود به توصیف مقاومت
 و فداکاری در زمان هادای در جنگ
 می‌پردازد

البته اولین ماندگ‌ترین نویسنده‌گان
 همدون خود در تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی
 و اخلاق و از سوی دیگر هر گ‌های تریکی که بر اثر
 حمله‌های جهانی سیاسی روح جلا، تفاوت لامل می‌شود
 و می‌گوشد تفاوت این دو نوع آثر و فداکاری را که
 یکی به فاجعه ختم می‌شود و دیگری به زندگی دیگر
 انسان‌ها می‌رسد. در آثارش تبیین کند

شعر نعلی ماکس استربرگر هر چند بیشتر
 به عنوان شاعر شناخته شده است اما صاحب آثری
 دلم‌تقی نیز شمرده می‌شود. او شاعری اجتماعی
 می‌شناسند. برگر همه را روش فریدبول به و چنان
 جامعه معاصر شد و تحولات نوزایی فاشیسم و پدیده
 و تنگنا را گوشزد کرد

دانستان اگر بخواهیم به داستان نویسان مهم
 بهر طرف پس از هورشرت می‌توان «هانس یوز»
 نیز نام برد. او که متولد ۱۹۱۹ میلادی است در جنگ
 جهانی دوم شرکت داشت و بسیاری از داستان‌هایش
 برپایه این جنگ شمرده می‌شود. آثار او نیز که در
 مقابل جنگ بود. هر سیم کتند. مقاومت در جهت‌های
 اجتماعی علیه نیروهای نازی است.

آموزش‌های هنری متأثر از نازیسم

دانستان کوتا هاینریش در آغاز نخستین جنگ
 جهانی به مخالفت با هیتلر با ناسیسم - کشورش
 برخاست و پس از آن نیز از مهاجران ضد نازی شد. او
 در رمان خود «تیر حرسه» و در برخی داستان‌های
 کوتاهش به نقد قدرت و دعوت به قیام علیه استبداد
 می‌پردازد. اما شهرت او در تصنیف «آواز» برانوش
 «توماس مان» قرار می‌گیرد. لوتیزه و توت نیز که

مدتی به زندان نازی‌ها افتادند. داستان نویسی است
 که در داستان‌هایش به فجایع جنگ و فداکاری مردم
 در شرایط جنگی پرداخته است

نویسنده‌گان چشم‌گرفته در دهه کلوزگه در رمان
 هنجامت‌های فراموش شده «پانسوی‌های من» به
 مستعری‌های نازی‌ها و پایداری و مقاومت فریبان
 آنان می‌پردازد. او نیز مانند آرتور کوستر، پل سزان
 مانس لاسپریر و - جزو نویسندگان بود که به چهره‌ان
 سیاسی چشم‌انداز بودند. لاسپریر گفت که آرمان‌های
 آنان عیانت شده است. ده گفدهای کلوزگه به فتوحی نقد
 تاریخ اجتماعی آلمان را تشکیل می‌دهد

نتیجه‌گیری

متأسفانه دعوت روشنفکران به ایثار و فداکاری
 علیه نازیسم قلمری در - یعنی پس از سقوط
 نازیسم - مطرح شد و به گوش مردم رسید. غنای
 وجدان هکسی در آلمان نیز به همین دلیل
 رخ داد

پس هر حال با کم‌رنگ‌تر شدن آلمان و پیش‌تر آن
 روشنفکران آلمانی برای رفع فاجعه نازیسم قلمری
 بیشتر مقاومت و از خود گذشتگی به خرج داده بودند
 تا چارل نوردت در آثر لسی خود به جای پیر خردمند
 از کودکان تاریخ به عنوان نماد آلمان گفنده کننده
 کودکی کلز فانتزی که باید باقی شوند و بهر روز که
 به عکس پرتان نشان، رگ نجات آنان در عاقبت طالبی
 ایستادگی در فداکاری بی‌مغفرت است.^{۳۸}

پانویس‌ها

۱. سعید مدبری، آشنایی با آرای متفکران، چاپ اول، چاپ
 اول، صص ۲۲-۲۷.
۲. ویا همگ، مان، ترجمه معده نظری، تاریخ فرهنگ
 آلمان، ترجمه فریدریش مضمه
۳. سایت ایران‌نگار، گفت‌وگو، فاشیسم و هنر، شماره ۱۲، اکتبر
 ۲۰۰۷، شماره ۵۶۴-۵۶۶
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی رادیو نیوز
۵. Collective guilt، لایحه این عبارت را به گناه گروهی
 یا گناه جمعی نیز می‌توان ترجمه کرد
۶. چارلز لوی، مکی لاند و فستون، بی‌شکر فرهنگ آلمان
 پس از جنگ - ترجمه سعید مدبری، صص ۲۲-۲۰.
۷. هرمان هسه، بی‌سندگی که محرومیتش همیشه در
 نوزان است - Iron - newspaper
۸. سایت ایران‌نگار، گفت‌وگو، فاشیسم و هنر، شماره ۱۲، اکتبر
 ۲۰۰۷
۹. جرسی و تحلیل آثار آلمانی در «نقاشی نواکتور سوسیت
 آلمان، شماره ۱۶، آبان ۱۳۸۲، Kargah.com
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی رادیو نیوز

منابع

۱. چارلز لوی، مکی لاند و فستون، بی‌شکر فرهنگ آلمان
 پس از جنگ - ترجمه سعید مدبری، مرکز مطالعات و
 تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷.
۲. گسمل و وللم، تاریخ فرهنگ آلمان، ترجمه معده
 نظری، گفت‌وگو، تهران، شماره ۱۲، ۱۳۸۰.
۳. سعید مدبری، گفت‌وگو، آشنایی با آرای متفکران، چاپ اول، چاپ
 اول، شماره ۱۲، آبان ۱۳۸۲، Kargah.com
۴. ایران‌نگار، گفت‌وگو، شماره ۱۲، اکتبر ۲۰۰۷، شماره
 ۵۶۴-۵۶۶
۵. www.iranianmag.com/article.php?id=20562
۶. هرمان هسه، بی‌سندگی که محرومیتش همیشه در
 نوزان است
۷. www.iran-newspaper.com/1384&979/html/art.htm
۸. جرسی و تحلیل آثار آلمانی در «نقاشی نواکتور سوسیت
 آلمان، شماره ۱۶، آبان ۱۳۸۲
۹. www.persian.kargah.com/archives/002787.php
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی رادیو نیوز
۱۱. سعید مدبری، آشنایی با آرای متفکران، تاریخ فرهنگ
 آلمان، ترجمه فریدریش مضمه
۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی رادیو نیوز
۱۳. www.navidshahed.com/main/index.php?page=definition&UID=48677
۱۴. پایگاه اطلاع‌رسانی رادیو نیوز
۱۵. www.ravyn.com/fa/index.php?option=com-content&task=view&id=27481&Itemid=64